







# فقیهی در میان مردم

گفت و گو با دکتر ابراهیم فیاض

...هیهک منا الذمه...

ویژگی شخصیتی آیت‌الله مهدوی کنی در گفتگوی کوتاه با دکتر علی باقری



## آخوند سیاسی بودند!

چند ویژگی بارز در شخصیت ایشان قابل مشاهده بود. اول این که ایشان در مسیر انقلاب، پیشرو و مبتکر بودند. یکی از ابداعات ایشان ورود روحانیت به عرصه اجرایی کشور بود. ایشان زمانی که مسئول کمیته انقلاب اسلامی شدند، توانستند از روحانیت در سراسر کشور استفاده کنند. ابتکار دیگر ایشان تأسیس دانشگاه بود. زمانی که خیلی‌ها حرف تلفیق حوزه و دانشگاه را می‌زدند، ایشان عملاً پای کار ایستاد.

خصوصیت دیگر ایشان مورد وفاق بودن است. برخی این را تعبیر انحرافی می‌کنند که ایشان انسان معتدل و میانه‌ای بوده‌اند، نه این طرف، نه آن طرف، در حالی که آیت‌الله مهدوی اصول‌گرا بودند، به معنای پایبندی بر اصول خود. در واقع اخلاص حاصل از تقید ایشان، باعث می‌شد همه بدانند که آیت‌الله مهدوی بر روی مبنا کار می‌کنند و به کسی نارو نمی‌زنند.

نکته دیگر اعتقاد و التزام عملی ایشان به ولایت فقیه است. امام در مورد شخصیت‌های کمی صحبت نکرده‌اند، ولی امام در مورد هر شخصیتی که صحبت کرده‌اند، در مورد گذشته یا حال ایشان بوده است و در مورد آینده‌شان صحبت نکرده‌اند. تنها کسی که امام آینده‌شان را تضمین کرده بودند، آیت‌الله مهدوی است. امام فرموده بودند: «من به ایشان ارادت داشتم، دارم و خواهم داشت» و این هم به خاطر این بود که امام ایشان را اصول‌گرای اعتقادی - و نه سیاسی - می‌دانستند.

نکته آخر این که آیت‌الله مهدوی یک آخوند سیاسی بودند - تأکید دارم که بگویم آخوند سیاسی، نه روحانی سیاسی - یعنی در عین حالی که به قول امروزی‌ها آخوند سستی‌ای بودند، آدم سیاست‌مداری بودند، قبل از انقلاب و بعد از انقلاب. ایشان از معدود افرادی هستند که هیچ‌گاه مبنای دینی، ایشان را از حضور در میادین سیاسی باز نداشت و هیچ‌گاه هم به سیاسی‌گری نیفتادند و در واقع، ایشان تجسم عینی «دیانت ما عین سیاست ماست» بودند.

### از حاج آقا برایمان بگویید؟

انسان سلیم النفسی بود، یعنی به خاطر این که شاگرد آقای برهان بود، اولین حرکتشان عرفانشان بود. همیشه کارشان مبارزه با نفس بود. تا می‌آمد جدی بشود شوخی می‌کرد، یعنی این که به خودش بگوید: من آیت‌الله هستم و... این‌ها را می‌شکست و همیشه هم لبخند بر لبش بود.

### رابطه‌شان با دانشجویان چه طور بود؟

هیچ وقت خودش را یک آدم پیرمرد ندید. این اواخر را که کسالت داشتند نگاه نکنید. همیشه با جوان‌ها بود و با دانشجویان محشور بود و کل‌کل می‌کرد. فقیه بود، ولی مردمی بود. یعنی می‌گفت نخبه‌گرایی در آخوند نیست. آخوند باید مردمی باشد.

### رابطه‌شان با امام و رهبری چه طور بود؟

مرید خاص حضرت امام بودند و شب‌های قدر بلااستثنا یاد امام می‌کردند. دو شخصیت علمی که ایشان را بسط داده بودند، یکی امام بود و یکی علامه طباطبایی و آقای برهان بنیان‌گذار شخصیتی اول ایشان بود. سعی می‌کرد همیشه بین امام و علامه جمع کند. خودش می‌گفت جامعه الحقیقین.

### رهبری چه طور؟

در رابطه با حضرت آقا هم ایشان به شدت دفاع‌کننده بود. می‌گفتند حتی در خانه اگر یک نفر به شوخی به آقا حرفی می‌زد، ایشان به شدت پرخاش می‌کرد.

### خاطره‌ای از ایشان دارید که قابل ذکر باشد؟

سال شصت و زمانی که شهید رجایی شهید شده بود، آمده بودند کازرون و دیدیمش. دست به گردنش می‌انداختیم و می‌بوسیدیمش و ایشان داد می‌زد: عمایه‌ام را نیندازید. اوج جنگ‌های مسلحانه منافقین بود. حالا خیلی از آن بچه‌ها شهید شده‌اند. خلاصه به هیچ وجه با ایشان احساس فاصله نمی‌کردیم.

**فقیه بود، ولی مردمی بود. یعنی می‌گفت نخبه‌گرایی در آخوند نیست. آخوند باید مردمی باشد**

### کمی هم در مورد شخصیت علمی ایشان توضیح دهید؟

ایشان فقه‌محور بود، ولی نه این که در ایشان رکود باشد. به شدت فقیه نوآوری بود. من بارها امتحان کردم، ایشان خیلی از بحث علمی خوشش می‌آمد. انسان متفکری بود. بسیاری از مسائلی که در تفسیر قرآن است، تفکر خودش است. ذهنیت‌های مهمی در رابطه با فقه، قرآن، و اخلاق داشت. بسته نبود. خیلی باز بود. همه‌اش هم به خاطر آزادفکری امام و علامه بود که بر رویش تأثیر گذاشتند.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَاٰلِهِٖٓ وَسَلَّمَ وَاٰلِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَاٰلِهِٖٓ وَسَلَّمَ وَاٰلِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَاٰلِهِٖٓ وَسَلَّمَ

## نخست‌وزیر امام



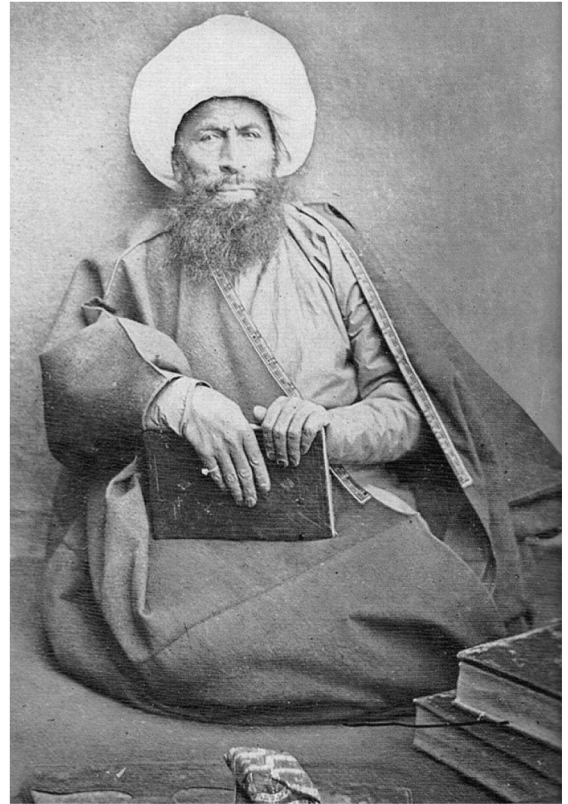
استاد اما استادی نبود که شاگرد خود را نشناسد. «ما از سابق به ایشان ارادت داشتیم و حالا هم ارادت داریم و بعدها هم ارادت خواهیم داشت.» امام خوبی‌ها این‌گونه وصف یار دیرین خود را می‌گوید. اما شاگرد خوب کسی است که در نبود استاد هم راه او را بفهمد و خط مشی وی را ادامه دهد. آیت‌الله مهدوی کنی خط مرادش را بعد از پیر کشیدند او از این عالم خاکی این‌گونه معرفی کرد «کج روی از راه رهبری گم کردن راه امام است.»

برای طلبه‌ی جوان درس بود و امام هم همچون باغبانی مهربان مواظب پرورش گل‌هایش بود. طلبه‌ی جوان حالا دیگر مسیر مبارزه را هم با امامش طی می‌کرد. مسیری که پر بود از زندان و شکنجه و تبعید. روزهای سخت مبارزه گر چه سخت گذشت ولی گذشت. حالا حاج آقا روح‌الله بود و یک نظام تازه تأسیس. شاگرد قدیمی حالا باید پیش از پیش به یاری استاد می‌شتافت و باری از روی دوش او برمی‌داشت. در پیچ و خم آن روزهای انقلاب بود که عده‌ای از روی جهل و برخی هم به سبب بی‌تقوایی اسلام این شاگرد امام را اسلام‌آمریکایی خواندند.

سال ۱۳۲۷ یکی از دوستانشان امام را در حیاط مدرسه‌ی فیضیه به او نشان می‌دهد و می‌گوید: برو سوال‌هایت را از ایشان بپرس. سوال‌های آن روز نخستین آشنایی جوانی جویند حقیقت با امام بود. جوانی که سال‌ها بعد، وقتی که دیگر خیلی جوان نبود نخست‌وزیر امام شد. بعد از گفتگوی آن روز، طلبه‌ی جوان شد شاگرد ثابت درس امام. شیرینی عرفان امام را در درس‌های ایشان چشید. اما رابطه‌ی او با امام تنها رابطه‌ی استاد و شاگرد نبود؛ رابطه‌ی مرید بود با مراد خویش. روزهای بودن با امام و مشاهده‌ی رفتار ایشان لحظه‌لحظه‌اش

# مبارزه با سازش!

برگی از زندگی حاج ملا علی کنی، اسوه ی آیت الله مهدوی کنی



پدر محمدرضا از حماسه‌های حاج ملا علی کنی  
برایش می‌گفت، گویی پدر و پسر با هم به نظاره ی  
تاریخ می‌نشستند:  
«مستر کونت» انگلیسی از  
لندن به ایران آمده بود.  
صدر اعظم ناصرالدین شاه،  
میرزا حسین خان سپهسالار  
خود را برای مذاکره آماده  
می‌کرد. مذاکرات، زیر  
نظر ناصرالدین شاه، به  
امتیازنامه‌ی استعماری رویت  
انجامید که بر اساس آن  
انحصار احداث راه آهن و  
بهره‌برداری از کلیه‌ی معادن

**حاج ملا علی مثل ورود  
مستعمران به کشور را مثل آن  
بچه فیلی می‌دانست که اگر  
انسان آن را به خانه راه دهد،  
پس از این که بزرگ شد، برای  
بیرون کردنش باید خانه را  
خراب کند!**

و جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و اداره‌ی گمرک به یک  
یهودی انگلیسی به نام رویترو واگذار می‌شد.  
ناصرالدین شاه که از نتیجه مذاکرات به جای تأسف  
ذوق زده شده بود، نامه‌ی تقدیرآمیزی در وصف  
سپهسالار خود نوشت: «ان شاء الله تعالی (اگر) این  
کار را خوب انجام بدهید، خدماتی به دین و دولت  
کرده‌اید که مافوق ندارد.» انگار ناصرالدین شاه  
مستعمره کردن ایران را بزرگترین خدمت به دین  
و دولت می‌دانست و به امید بهتر چرخیدن چرخ  
کشور دست در دست بیگانگان گذاشته بود.  
حاج ملاعلی کنی (رئیس المجتهدین) شیردلانه

به میدان نبرد آمد و دولت پس از مخالفت شدید  
وی مجبور به لغو این امتیاز نامه شد. حاج ملا علی  
مثل ورود مستعمران به کشور را مثل آن بچه فیلی  
می‌دانست که اگر انسان آن را به خانه راه دهد، پس  
از این که بزرگ شد، برای بیرون کردنش باید خانه  
را خراب کند! و می‌گفت: این‌ها به عنوان آبادانی به  
کشور می‌آیند ولی بعد بیرون کردنشان مشکل است.  
محمدرضا که این بار هم از شنیدن داستان‌های حاج

ملا علی ذوق زده شده بود به یاد  
مظلومیت او تأسف می‌خورد.  
محمدرضا از خدای خود می  
خواست که روزی مانند حاج ملا  
علی مردم را از استعمار آزاد کرده  
و اسلام ناب محمدی را در جهان  
زنده نماید.

سال‌ها از تاریخ‌گردی‌های محمد  
رضا و پدرش می‌گذرد اما او هنوز  
حماسه‌های حاج ملا علی کنی را  
در خاطر دارد و توانسته است که

با مراد خود امام خمینی (ره) به آرزوی  
حاج ملا علی نیز بوده، برسد. آیت الله محمد رضا  
مهدوی کنی هنوز هم عاشق حاج ملا علی کنی است  
و کار اسوه‌ی خود را در لغو قرارداد رویترو بزرگتر  
از قیام تحریم تنباکوی میرزای شیرازی می‌داند. او  
در تمام این سال‌ها حاج ملا علی کنی را اسوه‌ی  
مبارزات خود قرار داده تا نگذارد اسلامش ابزار  
دست استعمار شود. آیت الله مهدوی کنی وصیت  
کرده است تا او را در کنار قبر این عالم مبارز در حرم  
عبدالعظیم حسنی دفن کنند تا در همسایگی عالمی  
انقلابی به دیدار معبود خود بشتابد.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبْنِ الْحَسَنِ وَعَلٰى اَصْحَابِ الْحَسَنِ وَعَلٰى اَوْلِيَّائِهِمُ وَاغْنِنَا مِنْ اَعْدَائِهِمْ



**ویژه نامه ارتحال ملکوتی حضرت آیت الله مهدوی کنی (ره)**

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

**مدیرمسئول:** سید محمدحسین هاشمی گلبایگانی / **جانشین مدیرمسئول:** محمدحسن فیضی پور  
**سردبیر:** محمد اصغری / **تحریریه:** حمید درویشی شاهکلایی، علی خورشیدی، علی رزم‌آرا، محسن  
جوهری، محمد قاضی راد، محمدعلی فائزی، علیرضا مهدویان، احسان ملانوری، محمدرضا کوهکن،  
حمید خدشناس / **با تشکر از:** بسیج علمی فرهنگ و ارتباطات

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام main.basijisu.com  
تارهای نشریه حیات hayat.basijisu.com  
رایانامه نشریه حیات hayatmag.isu@gmail.com

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در پی  
رحلت یار دیرین امام و رهبری و پدر معنوی دانشجویان،  
پیام تسلیتی صادر کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

«حضرت آیت الله مهدوی کنی، آن یار دیرین امام و پدر  
معنوی دانشجویان بسیجی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام  
به لقاء الله پیوست. آن مجاهد نستوه که در کوران مبارزات  
طاقتم‌فرسای انقلاب با تکیه بر معرفت عمیق اسلامی و  
در نور ایمان به خداوند یاری‌گر خدا بود و در این راه  
موج سختی‌ها و لطمات و تهمت‌ها از سد صبرشان عبور  
نکرد و همواره در سنگر سربازی ولی زمان ایستادگی  
کردند و شهادت‌طلبی را بر راحت‌طلبی ترجیح داده و  
لحظه‌ای از جهاد فی سبیل الله باز نایستادند. آیت الله  
مهدوی کنی بی شک استمرار مکتب فقهی فقهای گذشته  
و در عرصه‌ی سیاست نیز تابع اندیشه‌ی سیاسی امام  
خمینی (ره) بود.»

متن کامل پیام را می‌توانید در پایگاه اینترنتی بسیج  
دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به نشانی  
main.basijisu.com بیابید.

پیام تسلیت بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام